



جراحی طرح اقتصاد مقاومتی در شرایط کنونی/ اقتصاد مقاومتی قائم به مردم است

یک استاد پژوهشگر مطالعات تطبیقی اقتصاد گفت: یک سری آسیب ها و تکانه هایی که به اقتصاد ما وارد می شود ریشه در وابستگی اقتصاد ما به شرایط خارجی دارد، از همین رو لازم است به تحکیم اقتصادمان بپردازیم.

یک استاد پژوهشگر مطالعات تطبیقی اقتصاد گفت: یک سری آسیب ها و تکانه هایی که به اقتصاد ما وارد می شود ریشه در وابستگی اقتصاد ما به شرایط خارجی دارد، از همین رو لازم است به تحکیم اقتصادمان بپردازیم.

آنچه در ادامه می آید گفتگوی گروه دین و اندیشه خبرگزاری مهر با دکتر سید محمدرضا امیری تهرانی درباره چگونگی کاربرد اقتصاد مقاومتی در اقتصاد امروز ایران است. وی دکترای فلسفه علم و فناوری از پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، کارشناس ارشد معارف اسلامی و اقتصاد از دانشگاه امام صادق (ع) و استادیار پژوهشگر مطالعات تطبیقی اقتصاد است.

اقتصاد مقاومتی به چه معناست؟

تعریفی که از رهنمودها و سیاست های مقام معظم رهبری برداشت کرده ام اقتصادی است که در برابر تکانه های داخلی و خارجی تقویت شده است. به تعبیری اقتصاد مقاومتی اقتصادی است که در برابر آسیب های احتمالی داخلی و خارجی مستحکم است و تکانه های مختلف از سوی دولت های غربی نمی تواند اساس و ارکان این اقتصاد را متزلزل کند. قطعاً هر تکانه ای آثاری از خود بر جای می گذارد ولی زمانی که اقتصادی را با عنوان مقاومتی معرفی می کنند به این معنی است که تکانه های مختلف نمی تواند این اقتصاد را دچار خلل کند.

این اقتصاد چه تفاوت هایی با اقتصاد ریاضتی دارد؟

اگر نگاهی که در سوال قبل معرفی کرده ام را به اقتصاد مقاومتی داشته باشیم به سادگی متوجه خواهیم شد که بر اساس سیاست ها و خط مشی هایی که مقام معظم رهبری اعلام فرموده اند اقتصاد مقاومتی کاملاً متفاوت از اقتصاد ریاضتی خواهد بود. اقتصاد ریاضتی که در ادبیات غرب مطرح است به شرایط حاد و بحرانی اقتصادی مربوط می شود که رشد و توسعه پیش بینی شده در موارد مختلف دچار اختلال می شود. به نحوی که شرایط بحرانی، محدودیت های فراوانی در زمینه های تولید، واردات، صادرات و مخارج ایجاد می کند. در چنین شرایطی طبیعتاً باید یک سری سیاست هایی اعمال شود تا سطح هزینه ها و مخارج دولت کاهش پیدا کند و به تعبیری مصرف پایین بیاید. سیاست های ریاضتی به تعبیری برای جامعه محدود کننده است و فشارهای آن عمدتاً بر طبقات متوسط و کم درآمد جامعه وارد می شود. از جمله شرایط دیگری که بحرانی تلقی شده و سبب استفاده از اقتصاد ریاضتی می شود به هنگام جنگ است. همین موضوع، دلیلی بر تفاوت میان اقتصاد ریاضتی با اقتصاد مقاومتی است. اقتصاد ریاضتی خاص شرایط بحرانی مانند شرایط جنگ، رکود و شرایط این چنینی است، اما اقتصاد مقاومتی ویژگی اقتصادی است که می خواهد مستحکم باشد، اقتصادی که می خواهد در برابر تکانه های داخلی و خارجی که ممکن است بر آن وارد شود از قوت و پایداری لازم برخوردار شود. به این لحاظ، من این دو را از یکدیگر متمایز می دانم.

چه ضرورت هایی باعث شد مقام معظم رهبری مسئله اقتصاد مقاومتی را مطرح کند، چراکه در زمان جنگ و 8 سال دفاع مقدس از اقتصاد مقاومتی صحبتی به میان نیامد ولی در این زمان مطرح شده است. آیا این موضوع به این معنی است که شرایط امروز ما از زمان جنگ نیز حادثر است؟

بعد از پایان جنگ تا کنون می بینیم که یک سری آسیب ها و تکانه هایی که به اقتصاد ما وارد می شود ریشه در وابستگی اقتصاد ما به شرایط خارجی دارد، به این معنی که موقعیت اقتصادی آنها بر وضعیت ما تأثیراتی برجای گذاشت و از همین رو لازم است به تحکیم اقتصاد بپردازیم. البته سرمنشأ یک سری دیگر از تکانه ها در شرایط و ویژگی های اقتصاد داخلی ماست. از آن عوامل خارجی می توانیم به بحران های اقتصادی اشاره کرد که در جهان اتفاق افتاد مثل آنچه در سال 97 یا 2008 میلادی اتفاق افتاد و کشورهای جهان همگی کم یا زیاد متأثر شدند و طبیعتاً بر اقتصاد ما نیز آثاری برجای گذاشت. از آن گذشته ادوار تجاری، رکودها و رونق هایی که در جهان اتفاق می افتد به دلیل روابط تنگاتنگ اقتصادی، کشورهای مختلف می توانند از هم اثر بگیرد. به عنوان مثال در اروپا، یکی دو کشور از اتحادیه که دچار بحران می شود به کشورهای دیگر سرایت می کند و بعد به کل اتحادیه و در نهایت بر اقتصاد کشورهای دیگر تأثیراتی دارد. اما در مورد آسیب هایی که بر اقتصاد ما تأثیرگذار بود، مهمترین آن بحث تحریم هاست. تحریم هایی که یک جانبه و ناعادلانه از سوی آمریکا وضع شده است. در اینجا موضوع اقتصاد مقاومتی مطرح می شود تا خود را در مقابل آن تحریمها مقاوم کند و استحکام ببخشد. همچنین وابستگی کشور به درآمدهای نفتی و نوسان هایی که در درآمدهای نفتی بوجود می آید به دلیل شرایط مختلف و فراز و فرودهای صادرات در بازار نفت، یا مسائل تحریم که طبیعتاً بر درآمدهای نفتی تأثیر می گذارد از آن مواردی است که اقتصاد را آسیب پذیر کرده است. در مورد عوامل داخلی، بحث تورم که عوامل و ساختار خاص خود را دارد، نوسانات ارزی و بیکاری به طور کلی بر شرایط اقتصادی تأثیرگذار بوده اند. یک اقتصاد کامل باید در برابر بحران های اقتصادی که به دلایل مختلف از جمله جهانی شدن ممکن است به هر کشوری سرایت کند از ابتدا خود را محافظت کند. به نظرم آنچه مدنظر مقام معظم رهبری بوده این است که اقتصاد ما به

نوعی در چارچوب سیاست های اعلام شده مقاوم و مستحکم شود تا بتواند در برابر تمام تکانه های داخلی و خارجی مقاومت کند و اختلالی در آن ایجاد نشود.

امام خمینی (ره) در زمان جنگ فرموده بودند «نان و پنیر خودمان را می خوریم و روی پای خودمان می ایستیم.» آیا بیان ایشان همین مفهوم اقتصاد مقاومتی را در بردارد؟

همچنان که مقام معظم رهبری فرمودند که اقتصاد باید درون نگر باشد، به نظرم ویژگی اقتصاد مقاومتی این است که قائم به مردم است. یعنی مردم باید نقطه ثقل این اقتصاد و مایه استحکام و قوام این اقتصاد باشند. همچنان که آیه شریفه می فرماید: ليقوم الناس بالقسط؛ به این معنی که مردم هستند که باید قسط را بپا دارند و اقامه کنند. البته برپاداشتن این اقتصاد به این معنی نیست که با جهان مراوده نداشته باشد و به تعبیری درها را ببندد بلکه درهای صادرات و واردات و مبادلات تجاری و همکاری جهانی باز است و صورت می گیرد، اما نقطه ثقل این اقتصاد باید نشاط اقتصادی داخل و از جانب مردم باشد. من فکر می کنم که حضرت امام (ره) با آن جمله ساده دقیقاً این مفهوم را انتقال دادند.

در تاریخ نمونه هایی از اقتصاد مقاومتی به چشم می خورد، می توان حضور سه ساله پیامبر اسلام (ص) در شعب ابوطالب را نمونه تاریخی از اقتصاد مقاومتی دانست؟

شرایط صدر اسلام را قاعدتاً نمی توان به طور کامل با شرایط فعلی مقایسه کرد. اگر بخواهیم شرایط تاریخی اقتصاد مقاومتی را بررسی کنیم شاید به توان به زمان ملی شدن صنعت نفت باید اشاره داشته باشیم که دولت با وجود مشکلاتی که در صادرات نفت پیش آمد باید روی پا خود می ایستاد و این اتفاق نیز افتاد و دولت از درآمدهای نفتی مستقل شد. در آن سال دولت حتی کسری بودجه هم نداشت، کاملاً متکی به تولیدات داخلی بود و دولت توانست با اتکای به مردم چرخه اقتصاد را بچرخاند. حتی در دهه 40 نیز تا زمانی که اقتصاد ایران وابسته به دلارهای نفتی نبود از اقتصاد مقاوم تری برخوردار بود، ولی به مرور زمان که اتکای ما به نفت رو به فزونی گذاشت اقتصادمان نیز تضعیف شد.

اقتصاد مقاومتی در اقتصاد امروز ایران چطور می تواند کاربرد داشته باشد و عملیاتی شود؟

جامعه علمی باید روی ساز و کارهایی به دقت و حوصله کار کند و به درستی تعریف کند که بتواند چهارچوب ها و خط مشی های اقتصاد مقاومتی را تحقق بخشد، و باید از تلاش و دانش همه اقتصاددانان در این زمینه استفاده شود. اینکه با چه سازو کارهایی می توانیم سیاست های ابلاغی اقتصاد مقاومتی را تحقق بخشیم پرسشی است که پاسخ به آن همکاری همه جامعه اقتصادی ایران را می طلبد. شاید نتوان بسادگی یک پاسخ قطعی و نهایی به این سوال داد. اما در تعریف این ساز و کار دو ویژگی به نظرم می رسد که باید مد نظر قرار بگیرد. یکی اینکه در این ساز و کار به جایگاه و مفهوم عدالت توجه کنیم. به نظر من مفهوم عدالت و تحقق آن از ارکان مهم اقتصاد مقاومتی است. البته نباید در مورد آن ساده انگاری صورت بگیرد چراکه راجع به عدالت بسیار صحبت شده و کماکان صحبت می شود. کارهایی تحت عنوان عدالت انجام شده است که به نظرم این اقدامات گاهی بیشتر از این که کمک کننده باشد باعث می شود عدالت از جایگاه واقعی خود تنزل پیدا کند و در حد شعارهای سیاسی مطرح شود که واقعاً شایسته جایگاه عدالت نیست. اینکه ما بخواهیم عدالت را در حد سهام عدالت و تلقی های این چنینی از عدالت تقلیل دهیم واقعاً شایسته منزلت عدالت نیست. در اینجا از اندیشه شهید صدر کمک می گیرم که به تعبیر من یکی از مولفه های عدالت را حق معاش تعریف می کند. حق معاش به این معناست که هر انسانی به لحاظ اینکه انسان است باید معاش او و نیازهای اساسی زندگی او تأمین باشد. این حق یعنی حق معاش، یک حق اساسی است و هر کسی به لحاظ انسان بودنش از این حق برخوردار است. همان طور که رئیس جمهور محترم بر حقوق شهروندی تأکید کردند، یکی از حقوق اساسی شهروندی حق معاش است. در اصل های 29 و 30 از قانون اساسی و هم چنین در ماده های مختلف بر حق معاش تأکید شده که از جمله آن مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت و درمان، آموزش و پرورش و از این قبیل است. بنابراین در سیاست گذاری که برای اقتصاد مقاومتی می شود قطعاً حق معاش باید به عنوان یک حق اساسی شهروندی در زمینه اقتصاد مدنظر باشد. نکته دوم که در بحث عدالت مطرح است و باز از اندیشه شهید صدر استفاده می کنم این است که عدالت را نباید فقط به عدالت توزیعی محدود کرد. زیرا برنامه ریزی برای تأمین حق معاش از تولید آغاز می شود. از این رو عدالت از تولید شروع می شود و باید عدالت تولیدی مدنظر قرار گیرد. در واقع توزیع نیز از تولید شروع می شود. اینکه چه کالایی را تولید کنیم یکی از سوال های اساسی اقتصاد به شمار می آید، کالایی که باید تولید شود، به نوبه خود مشخص می کند که باید به دست چه کسی برسد. به عنوان مثال اگر کالای لوکس یا به تعبیری غیرضروری تولید شود مشخص است که این کالا به دست کسی که اولویت های معاش او تأمین نشده، نخواهد رسید و به کار تأمین معاش او نخواهد آمد. بنابراین اگر بخواهیم عدالت توزیعی را مدنظر داشته باشیم باید از عدالت در تولید شروع کنیم. بنابراین دو ویژگی اقتصاد مقاومتی که باید در ساز و کارهای آن تعریف شود یکی تأکید بر حق معاش و دیگری عدالت توزیعی است که به دنبال عدالت تولیدی حاصل می شود.

بخش های مختلف حاکمیت چه مسئولیت هایی بر عهده دارند؟

به هر حال در زمینه برنامه ریزی همه مسئولیت ها متوجه حاکمیت است چراکه آنها سیاست گذاری می کنند. البته باید با مطالعه و بدون شتاب زدگی و فارغ از شعارزدگی، ساز و کار مناسب را برای اقتصاد مقاومتی بیابند. سوال مهمی که مسئولان محترم قبل از آنکه بخواهند اقدام خاصی را صورت بخشند، باید به آن پاسخ بدهند این است که آیا اقتصاد بازار آزاد می تواند این سیاست ها و خط مشی ها را تحقق بخشد؟ آیا تئوری های اقتصادی که به عنوان نئوکلاسیک شناخته می شود می تواند این سیاست ها را محقق سازد؟ آیا اقتصاد بازار آزادی که در طیف کشورهای سرمایه داری مدنظر است و مبنای تحلیل و تصمیم گیری قرار می گیرد می تواند این ها را محقق کنند؟ اگر این تئوری ها می توانند اقتصاد مقاومتی را محقق سازند، باید ابتدا

نشان دهند که چگونه و با چه سازوکاری این کار را می کنند، و اگر نمی توانند باید برای سازوکار جایگزین آن فکر و تدبیری شود و مبنای دیگری را جایگزین آن کرد. به نظر من اگر مسئولان مربوطه برای این پرسش ها پاسخ مناسبی نداشته باشند و مکانیسم و ابزار مناسبی را اختیار نکنند، با وجود نیت خیری که دارند ممکن است به نتایجی برسند که با اقتصاد مقاومتی متفاوت باشد. به نظر من باید برای موفقیت در این زمینه به مطالعه دقیق و عمیق پرداخت.